

بررسی رابطه بین ناگویی هیجانی، هیجان‌طلبی جنسی در زنان آسیب‌دیده از خیانت زناشویی در شهر بجنورد در سال ۱۳۹۹

سید مجتبی عقیلی*^۱، پرستو یزدانی^۲

۱- استادیار گروه روانشناسی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)

Dr_aghili1398@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد روانشناسی

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۰/۶/۵]

تاریخ دریافت: [۱۴۰۰/۱/۵]

چکیده

هدف این پژوهش بررسی رابطه بین ناگویی هیجانی، هیجان‌طلبی جنسی در زنان آسیب‌دیده از خیانت زناشویی در شهر بجنورد در سال ۱۳۹۹ می‌باشد. این پژوهش از نظر هدف جزء پژوهش‌های کاربردی و از نظر شیوه اجرا جزو تحقیقات توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش، شامل زنان آسیب‌دیده از خیانت زناشویی به تعداد ۱۸۰ نفر بودند. که طبق فرمول مورگان تعداد ۱۱۸ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده پرسش‌نامه ناگویی هیجانی تورنتو (۱۹۹۴)، و جهت اندازه‌گیری هیجان‌طلبی جنسی در زنان از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده گردید. جهت تجزیه و تحلیل آماری از آنالیز واریانس، رگرسیون گام به گام چند متغیره استفاده گردید. نتایج نشان داد که بین ناگویی هیجانی، هیجان‌طلبی جنسی در زنان آسیب‌دیده از خیانت زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. یافته‌های این پژوهش می‌تواند توجه متولیان نظام آموزشی خانواده را در راستای تهیه برنامه‌های آموزشی مناسب جهت حل تعارضات زناشویی و آموزش مهارت‌های زندگی معطوف می‌سازد.

واژگان کلیدی: ناگویی هیجانی، هیجان‌طلبی جنسی، خیانت.

۱- مقدمه

ازدواج به‌عنوان مهم‌ترین رفتار اجتماعی برای دستیابی به نیازهای عاطفی و کسب امنیت همواره مورد توجه همه روان‌شناسان، مشاوران و سایر متخصصان بهداشت روان قرار داشته است (دهقانی، ایزدی‌خواه، محمدتقی‌نسب و رضایی، ۱۳۹۵). خانواده را

مؤسسه یا نهاد اجتماعی معرفی کرده‌اند که ناشی از پیوند زناشویی زن و مرد است. از جمله مظاهر زندگی اجتماعی انسان، وجود تعامل سالم و سازنده میان انسان‌ها، عشق ورزیدن به هم‌نوع و ابراز صمیمیت و هم‌دلی به یکدیگر است. هم‌چنین خانواده محل رضای نیازهای جسمانی، عقلانی و عاطفی است. رضایت یک فرد از زندگی زناشویی به منزله رضایت یک فرد از خانواده محسوب می‌شود و رضایت از خانواده نیز به مفهوم رضایت از زندگی است که بر رشد و تعالی خانواده مؤثر است (بگیان کوله مرز، کرمی، مؤمنی، و الهی، ۱۳۹۵).

خیانت زناشویی از جمله عواملی است که سلامت خانواده را با چالش مواجه کرده و مهم‌ترین عامل تهدیدکننده عملکرد، ثبات و تداوم روابط زناشویی است (Mark, Janssen, & Milhausen, 2011). خیانت، احساس مورد آسیب واقع شدن بوسیله رفتار عمدی یا سهوی یک شخص مورد اعتماد است (Rachman, 2010). بررسی گروه‌هایی در ایالات متحده معلوم کرد که افراد دارای هیجان خواهی بالا احتمالاً به فعالیت‌های جنسی بیشتری اقدام می‌کنند. لذا احتمال اینکه این افراد خیانت کنند بیشتر است (Lalasz & Weigel, 2011).

گزارش زوج درمانگران نشان می‌دهد که هیجان‌طلبی جنسی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده عملکرد، ثبات و تداوم روابط زناشویی (مارک و همکاران، ۲۰۱۱) و از دشوارترین موارد برای درمان به‌شمار می‌آید که منجر به مواردی نظیر احساس تردید، افسردگی، عذاب وجدان، ضرب و شتم (Shackelford, & Buss, 2000) خواهد شد. در زنان زخم خورده، نشانه‌هایی شبیه اختلال پس از ضربه، افسردگی، خشم، کاهش اعتماد به نفس از دست دادن هویت و احساس بی‌ارزشی به‌وجود می‌آورد (Charny, & Parnass, 1995). پس از افزایش رو به رشد این آسیب نظریه‌های مختلفی تلاش کردند تبیین روشنی از علل گرایش افراد به خصوص مردان به سمت هیجان‌طلبی جنسی را ارائه دهند.

هیجان‌خواهی حالتی است که ویژگی آن نیاز به هیجان و تجربه‌های متنوع، جدید و پیچیده و میل اقدام به خطرهای جسمانی و بدنی به خاطر خود این تجربه‌هاست. فرد زیاد هیجان‌خواه، تحریک بیرونی دائمی مغز را ترجیح می‌دهد، از کارهای عادی خسته می‌شود و مرتباً در جستجوی راه‌های برای افزایش انگیزتگی از طریق تجربه‌های هیجان‌انگیز است. فرد کم هیجان‌خواه، هجوم مداوم تحریک مغزی کمتری را ترجیح می‌دهد و کارهای عادی را نسبتاً خوب تحمل می‌کند (هیلگارد، ۱۳۹۸). در مبحث اعتیاد جنسی، هیجان و تنظیم هیجان به‌عنوان عوامل سبب‌شناسی مطرح و عنوان شده است که اعتیاد جنسی مکانیزمی برای تنظیم خلق می‌باشد. در پژوهش‌های متفاوتی به نقش هیجان خواهی در اعتیاد جنسی اشاره شده است. هیجان‌خواهی پیش بین مناسبی برای رفتارهای جنسی، هم-جنس‌خواهی و دگرجنس خواهی و فراوانی روابط و علائق جنسی می‌باشد (علی‌پور، سعیدپور و حسنی، ۱۳۹۴).

یکی از وظایف جوامع و تحقیقاتی که در حوزه خانواده صورت می‌گیرد، شناسایی متغیرهای تأثیرگذار و تأثیرپذیر در روند تداوم مثبت روابط زوجین است. از جمله عواملی که فرض می‌شود کیفیت زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، ناگویی هیجانی است. اصطلاح، ناگویی هیجانی یا کرختی عاطفی (آلکسی تایمیا) توسط سیف‌نوس در سال ۱۹۷۳ ابداع شد و از ریشه یونانی مشتق می‌شود و نشان-دهنده ناتوانی در بیان هیجان‌ات است چهار مشخصه اصلی این پدیده شامل، وجود مشکل در شناخت و شرح احساسات، وجود مشکل در تفاوت قائل شدن بین مراحل هیجان و احساس‌های جسمانی، فعالیت‌های تخیلی محدود مثل کمبود خیال‌بافی و رؤیا و یک روش‌شناختی با جهت‌گیری بیرونی است (مکوندی، شهنی بیلاق و نجاریان، ۱۳۹۰). چنین به نظر می‌رسد برقراری روابط صمیمی و دوستانه با همسر، مستلزم ایجاد روابط نزدیک، درک، شناخت احساسات و عواطف، نیازها و هیجان‌های وی می‌باشد، ولی افراد با ناگویی خلقی به‌دلیل ناتوانی در شناسایی و شناخت احساسات دیگران، هم‌چنین ناتوانی در بیان و توصیف احساسات خود قادر

نخواهند بود تا به صمیمیت و نزدیکی که مستلزم رسیدن به سطح مناسبی از رضایت زناشویی است دست یابند چون همواره در بیان هیجان‌ها، احساسات و خواسته‌های درونی خود با مشکل مواجه هستند و همین عدم بیان خواسته‌ها و احساسات درونی مانع از آن خواهد شد که همسران بتوانند به هم نزدیک شده و از مسائل هم مطلع گشته و درصدد رفع آن برآیند. هنگامی که افراد از نظر هیجانی توانمند باشند می‌توانند در هنگام رویارویی با چالش‌های زندگی، سطح سلامت و شادکامی زندگی خود را بهبود بخشند. همچنین بیان نکردن احساسات ممکن است زندگی زوجین را کسل‌کننده کند و این امر به فاصله و شکاف عاطفی بین آنها منجر می‌شود که پیامد آن سطح پایین رضایت‌مندی زناشویی خواهد بود (درج‌زینی و مرادخانی، ۲۰۱۷). طبق پژوهش ویلیامز، کارن و بروس^۱ (۲۰۱۱)، زنان توانایی بالایی در مهارت‌های هیجانی دارند و زوج‌های شاد و خوشبخت نسبت به زوج‌های ناسازگار، هم در اظهار و ابراز هیجان‌ها و هم در استنباط، تشخیص و دریافت هیجان‌ها، صمیمیت جنسی بهتری از خود نشان می‌دهند.

همچنین مطالعات متعددی تاکنون به موضوعات راجع به مسائل و مشکلات جنسی پرداخته‌اند. اما در ارتباط با ناگویی هیجانی و هیجان‌طلبی جنسی و به‌ویژه این که به بررسی رابطه بین ناگویی هیجانی، هیجان‌طلبی جنسی در زنان آسیب‌دیده از خیانت زناشویی در کشور تاکنون مورد توجه محققان نبوده است و لذا دارای اهمیت موضوعی برای محققین آتی و تمامی استفاده‌کنندگان از نتایج حاصل از این پژوهش می‌باشد.

۲- روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی است و از نظر ماهیت و روش اجرا توصیفی-پیمایشی است.

۲-۱- جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه موردنظر این تحقیق شامل کلیه زنان آسیب‌دیده از خیانت زناشویی می‌باشند. باتوجه به جامعه مورد مطالعه پژوهشگر در این تحقیق نمونه‌گیری تصادفی در دسترس استفاده شده است. از میان جامعه آماری که برابر با ۱۸۰ نفر بودند طبق فرمول مورگان تعداد ۱۱۸ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب خواهند شد. که ۳۲ نفر در گروه از زنان مطلقه و ۸۶ نفر در گروه زنان متأهل قرار می‌گیرند.

۲-۲- ابزار

پرسشنامه ناگویی هیجانی: پرسشنامه ناگویی هیجانی ۲۰ سوالی توسط تورنتو (۱۹۹۴)، ارائه شده و دارای ۳ مقیاس فرعی است که مقیاس‌های مذکور عبارتند از:

۱- مقیاس دشواری در شناسایی احساسات: شامل سئوال‌ات ۱۴ و ۱۳، ۹، ۷، ۶، ۳، ۱ است.

۲- مقیاس دشواری در توصیف احساسات: شامل سئوال‌ات ۱۷ و ۱۲، ۱۱، ۴، ۲ است.

۳- مقیاس تفکر عینی: شامل سئوال‌ات ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۶، ۱۵، ۱۰، ۸، ۵ است.

پایایی بازآزمایی مقیاس ناگویی هیجانی بر حسب نتایج دو بار اجرای آزمون و همسانی درونی مقیاس بر حسب ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد و مورد تایید قرار گرفت. ضرایب آلفای ۰/۸۶ محاسبه شد. ضرایب پایایی بازآزمایی نیز ۰/۹۱ به‌دست آمد. همه ضرایب در سطح $p > 0.001$ معنادار بودند. روایی هم‌زمان مقیاس سلامت روانی بر حسب ضرایب همبستگی زیر مقیاس‌های این ابزار با نمره کلی پرسشنامه ناگویی هیجانی بررسی شد. این ضرایب برای دشواری در شناسایی احساسات ۰/۸۷ و برای دشواری در

توصیف احساسات ۰/۸۸ محاسبه و برای تفکر عینی ۰/۸۴ محاسبه و در سطح $p > 0.001$ تأیید شد. که توسط اساتید راهنما در سال ۱۳۸۸ هنجاریابی شده است. (بشارت، ۱۳۸۷).

پرسشنامه هیجان طلبی جنسی (زنان): در این مسیر پرسشنامه نرم شده‌ای برای استفاده در جامعه ما وجود نداشت و تنها پرسشنامه موجود و نرم شده در این خصوص مربوط به پرسشنامه ارائه شده توسط دکتر عارف نظری و برای آقایان وجود داشت. لذا با اقتباس از آن و ایجاد تغییراتی در نحوه، ساختار و تعداد سئوالات این پرسشنامه، پرسشنامه جدیدی برای استفاده در جامعه زنان تولید کردیم. سپس بر اساس یک نمونه مقدماتی ۶۰ نفره از این افراد پایایی این پرسشنامه ۴۵ سئوالی با استفاده از روش تحلیل اکتشافی مورد بررسی قرار گرفته شد. در ابتدا معیار آلفای کرونباخ بدست آمده ۰/۸۱ و معیار همگنی سئوالات در تحلیل اکتشافی (KMO) برابر با ۰/۷۱ بدست آمد. سپس با حذف سئوالات کم اثر که شامل سئوالات ۱۷، ۱۸، ۲۱ و ۳۲ بوده است آلفای کرونباخ به ۰/۸۵ و معیار KMO به ۰/۸۲۳ افزایش یافت. از سوی دیگر با ارائه پرسشنامه به متخصصین روایی آن نیز با ضریب ۰/۷۹ مورد تأیید قرار گرفت. شیوه نمره‌گذاری این پرسشنامه مطابق با شیوه نمره‌گذاری پرسشنامه هیجان طلبی جنسی در آقایان است. بدین صورت که تنوع طلبی در رفتار جنسی سؤال‌های، ۴۴، ۴۰، ۳۸، ۳۷، ۳۴، ۳۱، ۳۰، ۲۹، ۲۸، ۲۷، ۲۵، ۲۴، ۲۲، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۴، ۱۳، ۹، ۷، ۵، ۴، ۲، ۱ برای جهت‌گیری اخلاقی ۶، ۱۰، ۱۵، ۲۱، ۴۲، ۴۱، ۳۶، ۲۶، ۴۵، ۴۳ برای صمیمیت جویی ۳۲، ۳۳، ۲۲، ۱۲، ۱۱، ۳۸، ۳۹ استفاده شده است.

۳- یافته‌ها

جدول ۱. شاخص آماری متغیر ناگویی هیجانی در گروه‌های مختلف تأهل

متغیر	وضعیت تأهل	شاخص آماری			
		کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار
ناگویی هیجانی	مطلقه	۳۰	۸۲	۵۶/۲۸	۵۶/۲۸ ± ۶۲/۱۱
	متاهل	۲۸	۸۸	۲۲/۵۹	۲۹/۱۲ ± ۵۹/۲۲

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود میانگین و انحراف استاندارد نمره متغیر ناگویی هیجانی در گروه‌های مختلف تأهل ارائه شده است. می‌توان بیان کرد که میانگین نمره ناگویی هیجانی در زنان متأهل بیشتر از زنان مطلقه است. همچنین انحراف معیار بیشتر این شاخص در این گروه نیز این مهم را تشدید می‌کند.

جدول ۲. شاخص آماری متغیر هیجان طلبی جنسی در دو گروه زنان مطلقه و متأهل

متغیر	وضعیت تأهل	شاخص آماری			
		کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار
هیجان طلبی جنسی	مطلقه	۹۲	۱۵۰	۱۲۶/۶۷	۱۴/۸۶ ± ۱۲۶/۶۷
	متاهل	۷۸	۱۵۹	۱۳۰/۰۱	۱۴/۹۰ ± ۱۳۰/۰۱

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود میانگین و انحراف استاندارد نمره متغیر هیجان طلبی جنسی در دو گروه زنان مطلقه و متأهل ارائه شده است. می‌توان بیان کرد که میانگین نمره هیجان طلبی جنسی در زنان متأهل بیشتر از زنان مطلقه است.

جدول ۳. برآورد ضرایب مدل رگرسیونی

مؤلفه‌ها	ضرایب استاندارد نشده	ضرایب استاندارد شده	آماره T	سطح معنی‌داری
عدد ثابت	۵۹/۹۲۳		۴/۲۵۶	۰/۰۰۰
ناگویی هیجانی (مطلقه)	۰/۲۳۶	۰/۳۴۱	۲/۱۴۶	۰/۰۴۰
هیجان‌طلبی جنسی (مطلقه)	-۰/۲۰۱	-۰/۳۷۱	-۲/۳۳۴	۰/۰۲۷
عدد ثابت	۲۶/۳۴۱		۲/۵۹۹	۰/۰۱۱
ناگویی هیجانی (متأهل)	۰/۵۷۱	۰/۶۰۵	۷/۰۰۹	۰/۰۰۰
هیجان‌طلبی جنسی (متأهل)	-۰/۰۷۵	-۰/۱۰۷	-۱/۲۴۰	۰/۲۱۸

باتوجه به جدول فوق، در گروه زنان متأهل تنها متغیر ناگویی هیجانی (بدلیل آنکه سطح معنی‌داری آن کمتر از $0.05 > P$) می‌باشد در مدل باقی می‌ماند و متغیر هیجان‌طلبی جنسی تفاوت معناداری ندارد. اما در گروه زنان مطلقه هر دو متغیر در مدل باقی می‌مانند. البته باتوجه به مثبت بودن ضریب متغیر ناگویی هیجانی در گروه زنان متأهل این اثر افزایشی خواهد بود. در گروه زنان مطلقه، باتوجه به علامت ضرایب برآورد شده، اثر متغیر ناگویی هیجانی افزایشی و اثر متغیر هیجان‌طلبی جنسی کاهش‌ی است.

۴- بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد بین ناگویی هیجانی و هیجان‌طلبی جنسی در زنان آسیب‌دیده از خیانت زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. نتیجه آزمون فوق با آزمون تحقیقات عاشوری و قاسم‌زاده (۱۳۹۷)؛ قوچانی و عرب (۱۳۹۸)، علی‌پور و همکاران (۱۳۹۴)، دیوید (۲۰۰۳) دونالپ و رامر^۲ (۲۰۱۰)؛ مانسینلی، سالکانی، موراتی، گریلو، آلسی، گوگلیلمینو و همکاران^۳ (۲۰۲۱)؛ هماهنگ و همسو می‌باشد.

در تبیین این یافته می‌توان چنین استدلال کرد که ناگویی هیجانی معادل دشواری در خودتنظیم‌گری هیجانی یا ناتوانی در پردازش شناختی اطلاعات هیجانی و تنظیم هیجان‌ها است. وقتی اطلاعات هیجانی نتوانند در فرایند پردازش شناختی، ادراک و ارزشیابی شوند، فرد از نظر عاطفی و شناختی دچار آشفتگی و درماندگی می‌شود. این ناتوانی، سازمان عواطف و شناخت‌های فرد را مختل می‌سازد. این اختلال در سطح تعامل‌های اجتماعی، مشکلات بین شخصی را بر فرد تحمیل می‌کند. تنظیم و مدیریت هیجان‌ها نیز به منزله عملی سازی هیجان‌ها (فرایند گذار از پردازش به عمل) در دو سطح رفتارهای شخصی و بین شخصی، دچار اختلال می‌شود. این اختلال نیز بخشی از مشکلات هیجان‌طلبی جنسی را تبیین می‌کند. بر اساس این دو تبیین، هیجان‌طلبی جنسی ممکن است مستقیماً تحت تأثیر اختلال در پردازش شناختی اطلاعات هیجانی و تنظیم هیجان‌ها به وجود آید، یا از طریق اختلال در سلامت روانی فرد ایجاد شوند. افراد با ناگویی هیجانی سطوح کمتری از همدلی را که لازمه رابطه صمیمانه و هیجان‌طلبی جنسی است، از خود نشان می‌دهند و بر اساس دیدگاه

1 David

2 Dunlop & Romer

3 Mancinelli, E., Salcuni, S., Muratti, A., Grillo, A., Alessi, C., Guglielmino

روابط موضوعی این افراد با فقدان عاطفه لیبیدویی توصیف می‌شوند. آنها نسبت به دیگران مهم، علاقه من و هیجانی نشان نمی‌دهند و سبک ارتباطی سرد و اجتنابی دارند و این عوامل باعث کاهش صمیمیت جنسی با همسر می‌شود. از سویی زوجینی که دارای تعارضات حل نشده هستند و احساسات خود را بروز نمی‌دهند و به عبارتی دچار ناگویی هیجانی شده‌اند، از یکدیگر فاصله عاطفی دارند، دارای رضایت جنسی کمتری هستند. همچنین از آنجایی که توانایی ایجاد و حفظ روابط عاشقانه نیازمند توانایی تشخیص هیجانات و توانایی بروز آنها و درک و توجه به احساسات دیگران است؛ نهایتاً اینکه حوزه صمیمیت بین زوجین علی‌الخصوص هیجان طلبی جنسی نیازمند خود افشایی و خودآگاهی است. افراد دچار ناگویی هیجانی به واسطه یکسری خصوصیات چون عدم شناسایی و بیان احساسات و سبک تفکر عینی که باعث می‌شود صرفاً شاهد رویدادها باشند و به تفسیر آنها نپردازند و اساساً کاری به احساسات خود و دیگران نداشته باشند، در این حوزه دچار مشکل خواهند شد. به علاوه رابطه جنسی در زنان صرفاً یک رابطه فیزیکی نیست؛ رویکرد زنان به رابطه جنسی نگرش ارتباطی است که در آن تأکید بر صمیمیت است و وقتی فرد دچار ناگویی هیجانی می‌شود، هیجان طلبی جنسی دچار نقص می‌شود.

۵- تقدیر و تشکر

از تمامی دوستانی که ما را در انجام این پژوهش یاری رساندند سپاسگزاریم.

۶- منابع

- ۱- بگیان کوله مرز، م.، کرمی، ج.، مؤمنی، خ.، و الهی، ع. (۱۳۹۵). مقایسه اثربخشی سیستم روان‌درمانی تحلیل شناختی - رفتاری (CBASP) و یکپارچه‌سازی رفتاردرمانی دیالکتیکی با درمان شناختی مبتنی بر ذهن شفقت ورز بر کاهش درد ذهنی و دشواری‌های تنظیم هیجانی افراد اقدام‌کننده به خودکشی. *مطالعات روان‌شناسی بالینی*، ۹(۳۴)، ۳۵-۶۳.
- ۲- بشارت، م. (۱۳۸۷). نارسایی هیجانی و سبک‌های دفاعی. *مجله علمی پژوهشی اصول بهداشت روانی*، ۱۰(۳)، ۱۹۰-۱۸۱.
- ۳- دهقانی، س.، ایزدی‌خواه، ز.، محمد تقی نسب، م.، و رضایی، ا. (۱۳۹۵). تحلیل مسیر طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، راهبردهای مقابله با استرس و کیفیت زندگی روانی. *تحقیقات علوم رفتاری*، ۱۲(۱): ۸-۱.
- ۴- زمینه‌ی روانشناسی هیلگارد (۱۳۸۵). ترجمه براهنی، م.، بیرشک، ب.، بیک، م.، زمانی، ر.، شهرآرایی، م.، کریمی، ی.، گاهان، ن.، محی‌الدین، م.، شاملو، س.، و هاشمیان، ک. تهران: انتشارات رشد.
- ۵- عاشوری، م.، و قاسم زاده، س. (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش ایمن‌سازی روانی بر ناگویی هیجانی، خودتعیین‌گری و جهت‌گیری زندگی نوجوانان با آسیب شنوایی، *مطالعات روانشناختی*، ۱۴(۲)، ۷-۲۴.
- ۶- علی‌پور، ف.، سعیدپور، ص.، و حسنی، ج. (۱۳۹۴). بررسی هیجان‌خواهی در افراد مبتلا به اعتیاد جنسی، اعتیاد به محرک‌ها، اعتیاد به مواد افیونی و افراد بهنجار. *مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران*، ۲۵(۱۲۵)، ۱۳۵-۱۳۸.
- ۷- قوچانی، ک.، و؛ عرب، س. (۱۳۹۸). اثربخشی گروه درمانی متمرکز بر شفقت بر احساس تنهایی و نشخوار فکری زنان با سندرم پیش از قاعدگی. *نشریه علمی رویش روانشناسی*، ۸(۹)، ۱۶۷-۱۷۸.
- ۸- مکوندی، ب.، شهنی بیلاق، م.، و نجاریان، ب. (۱۳۹۰). مقایسه الکسی تایمیا و هوش هیجانی بین دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد اسلامی اهواز. *یافته‌های نو در روانشناسی*، ۶(۱۸)، ۴۷-۵۷.
- 9- Charny, I. W., & Parnass, S. (1995). The impact of extramarital relationships on the continuation of marriages. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 21(2), 100-115..
- 10- Darjazini, S., & Moradkhani, M. (2017). The relationship between marital satisfaction and alexithymia. *Journal of Ecophysiology and Occupational Health*, 17(3-4), 124-135.
- 11- David, A.S. (2003). *The self monitoring in neuroscience and psychiatry*. Cambridge, UK: Cambridge university press.

- 12- Dunlop, S. M., & Romer, D. (2010). Adolescent and young adult crash risk: Sensation seeking, substance use propensity and substance use behaviors. *Journal of Adolescent Health, 46*(1), 90-92..
- 13- Lalasz CB, Weigel DJ.(2011). Understanding the relationship between gender and extradyadic relations: the mediating role of sensation seeking on intentions to engage in sexual infidelity. *Personality and Individual Differences;50*(7):1079-83.
- 14- Mancinelli, E., Salcuni, S., Muratti, A., Grillo, A., Alessi, C., Guglielmino, A., & Finos, L. (2021). P-487 Couples undergoing first level assisted reproductive techniques: An Actor-Partner interdependence model of dyadic adjustment, psychological symptoms, alexithymia and romantic attachment on body-image avoidance. *Human Reproduction, 36*(Supplement_1), deab130-486.
- 15- Mark, K. P., Janssen, E., & Milhausen, R. R. (2011). Infidelity in heterosexual couples: Demographic, interpersonal, and personality-related predictors of extradyadic sex. *Archives of sexual behavior, 40*(5), 971-982.
- 16- Williams, L., Curren, C., & Bruce, G. (2011). Are alexithymia and Type D personality distinct or overlapping constructs? A confirmatory factor analysis of the Toronto alexithymia and Type D scales. *Personality and individual differences, 51*(5), 683-686.
- 17- Rachman S.(2010). Betrayal: a psychological analysis. *Behaviour Research and Therapy.;48*(4):304- 11.
- 18- Shackelford, T. K., & Buss, D. M. (2000). Marital satisfaction and spousal cost-infliction. *Personality and Individual Differences, 28*, 17-928.



Investigating the Relationship Between Emotional Dysfunction, Sexual Excitement in Women Affected by Marital Infidelity in Bojnourd in 1399

Seyed Mojtaba Aghili^{*1}, Parasto Yazdani²

1- Assistant Professor, Department of Psychology, Payame Noor University(Corresponding Author)

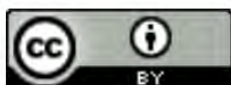
Dr_aghili1398@yahoo.com

2- Master of Psychology

Abstract

This study aimed to investigate the relationship between emotional malaise and sexual arousal in women affected by marital infidelity in Bojnourd in 1399. This research is part of applied research in terms of purpose and descriptive survey research in terms of implementation method. The statistical population of this study included 180 women affected by marital infidelity. According to Morgan's formula, 118 people were selected by stratified random sampling. The data collection tool was Toronto Emotional Dysfunction Questionnaire (1994), and a researcher-made questionnaire was used to measure sexual arousal in women. Multivariate stepwise regression analysis was used for statistical analysis. The results showed that there is a significant relationship between emotional malaise and sexual arousal in women affected by marital infidelity. The findings of this study can draw the attention of those in charge of the family education system to prepare appropriate educational programs to resolve marital conflicts and teach life skills.

Keywords: Emotional nagging, Sexual arousal, Infidelity.



This Journal is an open access Journal Licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License

(CC BY 4.0)